آیا دومین شهر بزرگ عراق تقسیم می‌شود؟

آلمانیزه‌شدن موصل

عبدالحمید نورزایی . پژوهشگر افغان

عملیات آزادسازی تکریت توسط ارتش عراق و نیروهای مردمی آغاز شد. عراقی‌ها عزم خود را جزم کرده‌اند و با نیروی ۳۰هزارنفری آموزش‌دیده به جنگ تن‌به‌تن با نیروهای داعش رفتند. مقامات عراقی عنوان کردند که عملیات تکریت پیش‌زمینه عملیات آزادی موصل است، عملیاتی که همه با بیم‌وامید منتظر فرارسیدن آن هستند. از یک طرف امید آزادی و در طرف دیگر بیم آلمانیزه‌شدن موصل؛ وقتی که آلمان در جنگ دوم جهانی فرانسه را از دست داد همه طرف‌های درگیر جنگ برای تصرف برلین لحظه‌شماری می‌کردند. این‌بار نوبت آلمان بود که پس از شکست به سرنوشت امپراتوری عثمانی دچار شود. امپراتوری عثمانی در جنگ اول جهانی بین فرانسه و انگلیس تقسیم شد و آلمان نیز توسط جنگ‌سالاران آن‌روزها، آمریکا و شوروی، دوتکه شد؛ شوروی شرق آلمان را تصرف کرد و آمریکا و متحدانش غرب آلمان را تصرف کردند. هرطرف هم سیاست‌های موردنظر خود را به اجرا گذاشت و تا سال‌ها مردم پشت دیوارهای بتونی زندانی و مکتب‌های مارکسیسم و لیبرالیسم به فاصله یک دیوار از هم به همسایگانی غیرممکن تبدیل شدند.

اکنون نیز بیم آن می‌رود که موصل دچار سرنوشت آلمان شود؛ موصل که در گذشته از شهرهای بزرگ و متمدن امپراتوری عثمانی به‌شمار می‌رفت اکنون نیز با جمعیتی بالغ بر دومیلیون‌نفر نام دومین شهر بزرگ عراق را یدک می‌کشد و از موقعیتی ژئواستراتژیک برخوردار است زیرا از طرف شمال با ترکیه و اقلیم کردستان هم‌مرز و از طرف غرب با سوریه همسایه است. همچنین این استان نزدیک‌ترین شهر به «رقه» پایتخت خودخوانده خلافت داعش است. مواردی که نظریه تقسیم موصل را تقویت می‌کند آنالیز رفتار سیاسی اقلیم کردستان عراق و بافت اجتماعی موصل است.

اقلیم کردستان عراق پس از سقوط «صدام حسین» خودمختاری اعلام کرد و دولت عراق نیز مخالفتی با این موضوع نکرد تا اینکه با افزایش بهای نفت در چندسال اخیر، بر سر استخراج و صادرات منابع نفتی در شمال عراق با دولت مرکزی مشکل پیدا کرد. اختلافات بین طرفین تا بدانجا کشید که دولت اقلیم کردستان عراق خودسرانه بدون اجازه دولت مرکزی عراق اقدام به بستن قرارداد صادرات نفت به ترکیه کرد. این اقدام اقلیم خودمختار کردستان با انتقاد شدید نخست‌وزیر وقت عراق آقای «نوری مالکی» و کابینه او همراه شد. اختلافات بین طرفین تا آنجا پیش رفت که وزرای کرد عراقی از کابینه خارج شدند. این اختلافات و بدبینی‌ها حتی زمانی که داعش به عراق حمله کرد همچنان باقی بود و در چندهفته نخست اشغال موصل بین کردها و داعشی‌ها آتشی ردوبدل نشد. همچنین کردستان عراق به نیروهای خود دستور داد که به نیروهای داعش حمله نکنند و فقط پاسخ حملات آنها را بدهند. اما زمانی که داعش به مناطق کردنشین حمله کرد، اختلافات با میانجیگری قدرت‌های منطقه‌ای کمرنگ شد و طرفین با رایزنی برخی از میانجیگران منطقه بر سر میز مذاکره نشستند. دولت عراق نیز با تصویب و اختصاص بودجه چشمگیری به مناطق کردنشین تلاش کرد که دل کردها را به دست آورد اما بازی پشت پرده بین دوقدرت همچنان ادامه داشت. اقلیم کردستان از کشورهای خارجی مانند آلمان، فرانسه و آمریکا تقاضای تسلیحات سنگین کرد که در پاسخ، آنها گفتند مستقیما نمی‌توانند به اقلیم سلاح صادر کنند و آنها باید از طریق دولت مرکزی عراق خواسته خود را مطرح کنند. برخی از قدرت‌های دیگر نیز به‌خاطر حساسیت ترکیه از قدرت‌گرفتن کردها از دادن تسلیحات شانه خالی کردند. اما داعش که تسلیحات سنگین و نیمه‌سنگین ارتش عراق را در موصل تصرف کرده بود، از سه‌جبهه در عراق پیشروی کرد؛ یکی به طرف شمال و اقلیم کردستان، دیگری به‌طرف بغداد و سومین جبهه به‌طرف جنوب عراق و مرز عربستان و اردن. قدرت‌های جهانی که بیشتر از این تحمل پیشروی‌های داعش را نداشتند به اقلیم کردستان عراق نیروی نظامی گسیل کردند تا کردها را آموزش دهند و با تسلیحات محدود نیمه‌سنگین و سنگین از آنها حمایت کردند. کردها نیز حمله داعش به پالایشگاه کرکوک را دفع کردند و در قدم بعدی سد استراتژیک موصل را از داعش بازپس‌گرفتند و اخیرا نیز سنجار را آزاد کردند و در نزدیکی موصل موضع گرفتند.

پیشروی کردها با اماواگرهایی همراه بوده است، اما واگرهایی که از منظر برخی دولتمردان عراقی باید مورد توجه قرار گیرند؛ از این جمله می‌توان به تصرف مناطق عرب‌نشین توسط کردها اشاره کرد که حاضر به پس‌دادن آنها به دولت مرکزی نیستند. همچنین آنها قصد داشتند قبل از ارتش عراق به پالایشگاه «بیجی» حمله کنند که آمادگی لازم را نداشتند. اکنون نیز بین دولت عراق و اقلیم کردستان عراق، آمریکا و ایران میانجیگری می‌کنند. آنچه که از اوضاع و احوال عراق برمی‌آید، این است که کردستان درحال گسترش قلمرو و تحقق رویای ایجاد کشور کردستان واحد است که شامل کردستان سوریه و کردستان ترکیه نیز می‌شود. فرستادن نیروی جنگی به کوبانی را می‌توان در راستای تحقق این رویا تلقی کرد. از سوی دیگر اخیرا نیز پیشمرگه‌های کرد از ورود اعراب آواره به مناطق پاکسازی شده خودداری کردند و سازمان‌های حقوق‌بشری به این رفتار پیشمرگه‌ها شدیدا اعتراض کردند که در نتیجه آن «نچیروان بارزانی» نخست‌وزیر اقلیم کردستان با تایید این عمل پیشمرگه‌ها قول همکاری بیشتر داد. همچنین از ورود اعراب آواره به اقلیم کردستان جلوگیری می‌شود و آوارگان باید از محدوده اردوگاه‌های سازمان‌ملل بیرون نروند. آنچه که از رفتار سیاسی رهبران کرد اقلیم می‌توان دریافت، یکی ایجاد حداکثر تماس مرزی با سوریه است تا با کردهای آن‌طرف مرز بتوانند بهتر و آزادتر تماس برقرار کنند که این امر فقط با تصرف بخش‌های بزرگی از موصل به‌دست می‌آید و دیگرهدف رهبران کرد گسترش عرضی اقلیم کردستان عراق است. در جغرافیای سیاسی، هر کشوری که عرض کم داشته باشد، در برابر دشمن خارجی بسیار آسیب‌پذیرتر خواهد بود. همچنین با گسترش عرضی کردستان به‌خصوص در غرب این اقلیم خط حائل بیشتری با اربیل پایتخت کردستان ایجاد خواهد شد و سومین هدف رهبران اقلیم تصرف مناطق بیشتر و رایزنی بر سر اداره آنها یا دادن زمین آزادشده در برابر امتیازات ارزشمند دولت مرکزی عراق است اما موصل تنها با تقسیمات ارضی از طرف کردها و عراقی‌ها روبه‌رو نیست؛ بلکه شرایط قبیله‌ای و مذهبی عراق همواره تنش‌زا بوده است. هیچ‌کس سال‌های۲۰۰۶تا۲۰۰۹ را فراموش نمی‌کند؛ زمانی که در بغداد و شهرهای عراق روزانه ده‌ها نفر بر

این‌روزها آنچه در عراق و به‌خصوص در موصل می‌گذرد نوعی نوسازی قدرت است. این احتمال وجود دارد که این نوسازی به آینده‌ای رنگارنگ و باثبات برای عراق یا به آینده‌ای بی‌رنگ و بی‌ثبات تبدیل شود که هر طرف از قدرت‌ها بر سر حدود سیاسی، مذهبی و فرهنگی اسلحه را به‌عنوان قاضی بین خود بر می‌گزینند

اثر حملات انتحاری و بمب‌گذاری کشته می‌شدند. اختلافات مذهبی عراق باعث ریختن خون هزاران‌نفر شد و جنگ سایه‌ها با شدت، وحدت تمام عراق را در نوردید. اکنون نیز عراق با اینکه شرایط بهتری نسبت به ۲۰۰۶ دارد اما شکاف‌ها پیچیده‌تر شده است و سکوت‌ها طولانی‌تر. می‌توان موصل را به‌عنوان نمونه‌ای از شکاف اجتماعی در عراق مثال زد؛ آنچه افکار را به‌طرف پرتوهای تاریک هدایت کرده است، بدبینی نسبت به یکدیگر بوده است و این بدبینی‌ها در غرب عراق باعث شده است که در موصل از درون، پتانسیل بسیار بالایی جهت جدایی به‌وجود آید.

وقتی که روند تصرف موصل توسط داعش را آنالیز می‌کنیم به نتایج جالبی می‌رسیم که نوعی همکاری درونی و اولویت‌بندی مذهبی حلقه‌های سیاسی عراقی با داعش را نشان می‌دهد. زمانی که موصل تصرف شد «طارق الهاشمی» معاون اسبق نخست‌وزیر عراق از تصرف موصل ابراز خوشحالی کرد. همچنین استاندار موصل در چهارروز درگیری در موصل هیچ‌اقدام مثبتی برای جلوگیری از سقوط شهر موصل نکرد و حتی از دخالت برخی از نیروها در جنگ خودداری کرد. ساختار موصل ساختاری قبیله‌ای است. همچنین اکثریت مردم این شهر اهل سنت هستند. تضاد اهل سنت با اهل تشیع در هرم قدرت در عراق باعث شد که برخی از سران و سیاستمداران اهل سنت حمایت خود را از دولت مرکزی عراق به حالت تعلیق درآورند. آنها خواستار وزرای بیشتری در کابینه بودند و از نخست‌وزیر می‌خواستند که وزیر دفاع از بین نظامیان سنی انتخاب شود. پس از مخالفت اقلیم کردستان عراق و سیاسیون سنی با نخست‌وزیری مجدد نوری المالکی، گروه‌های سیاسی و طیف‌های قدرت برسر انتخاب نخست‌وزیرجدید «حیدر العبادی» توافق کردند. او نیز با توجه به فضای متشنج عراق به خواسته‌های طیف‌های مخالف جامه عمل پوشاند و وزیر دفاع را از بین نظامیان اهل سنت انتخاب کرد. همچنین بخش بیشتری از کابینه به اهل سنت واگذار شد و در طرح‌ریزی عملیات آزادسازی موصل و مناطق سنی‌نشین توافق شد که ارتش نقش اصلی را ایفا کند و نیروهای متشکل از قبایل اهل سنت نیز آنها را همراهی کنند. درهمین‌حال توافق شد که نیروهای شیعه و گروه‌های مسلح دیگر در آزادسازی مناطق اهل سنت زیر پرچم ارتش عراق بجنگند. اکنون نیز در آزادسازی تکریت نیروهای اهل سنت با ارتش همکاری تنگاتنگی دارند و گروه‌های شیعه با هماهنگی کم‌نظیری با ارتش همکاری دارند. به‌خصوص آنکه «آیت‌الله سیستانی» مرجع گرانقدر شیعیان ریختن خون اهل سنت و غارت اموال آنها را حرام دانسته است. با توجه به تدبیرها و رایزنی‌های فشرده دولت مرکزی عراق با قبایل عراق برای ذوب آنها در درون هرم قدرت نباید قدرت‌های پشت پرده و ذی‌نفوذ را از قلم انداخت و نباید این نکته را فراموش کرد که سران این قبایل روابط پیچیده و منسجمی با کشورهای همسایه به‌خصوص ترکیه و عربستان دارند و حتی در زمان حضور آمریکا در عراق نیروهای قبایل بزرگ‌ترین خطر برای آنها در مثلث مرگ محسوب می‌شدند. امروز نیز با اینکه سامرا و دیگر مناطق اهل سنت پاکسازی شده است اما تک‌تیراندازهای دشمن هنوز درحال فعالیت هستند و بخشی از موفقیت داعش مدیون همکاری رگه‌هایی از درون مناطق آشوب‌زده است. برای موفقیت در برابر دشمن همکاری و استفاده از توان سران قبایل و نیروهای آنها بهترین گزینه پیش‌رو است اما آنچه که سران قبایل موصل می‌خواهند نوعی خودمختاری تام مانند اقلیم کردستان است. این درحالی است که دولت مرکزی با کوچک‌ترکردن عراق و ایجاد یک‌اقلیم فدرال دیگر به‌شدت مخالف است. این‌روزها آنچه در عراق و به‌خصوص در موصل می‌گذرد نوعی نوسازی قدرت است. این احتمال وجود دارد که این نوسازی به آینده‌ای رنگارنگ و باثبات برای عراق یا به آینده‌ای بی‌رنگ و بی‌ثبات تبدیل شود که هر طرف از قدرت‌ها بر سر حدود سیاسی، مذهبی و فرهنگی، اسلحه را به‌عنوان قاضی بین خود بر می‌گزینند. آنچه که باید در عراق توسط نخبگان سیاسی انجام شود، تقویت عنصر همدیگرپذیری و گسترش اعتماد سیاسی- اجتماعی در جامعه است.

لشکر داعش در آفریقا

ادامه از صفحه ۹

۴-انصارالشریعه لیبی

«انصار الشریعه» لیبی در سال ۲۰۱۲ به وسیله «محمد علی الزهاوی» تاسیس شد اما تعداد اعضای آن معلوم نیست. مقرهای اصلی این گروه در شهرهای «درنه»، «سرت» و «صبراته» قرار دارد. این گروه نیز از ایدئولوژی سلفی‌جهادی تبعیت می‌کند. این گروه خواستار اجرای شریعت اسلامی در لیبی است. در جریان انقلاب لیبی، افراد این گروه در بنغازی فعال بودند. شبه‌نظامیان این گروه همه اهل لیبی نبوده و از کشورهای دیگر نیز عضوگیری کرده است. منبع درآمد این گروه، معلوم نیست، ولی بخشی از آن از طریق اعانات و بخش دیگر از راه غارت اموال دولتی و منابع نفتی لیبی، تامین می‌شود. یکی از اتهامات آنها حمله به کنسولگری آمریکا در بنغازی و کشتن سفیر و سه نفر از اعضای هیات دیپلماتیک آمریکا است. آمریکا و سازمان‌ملل، این گروه را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داده‌اند. دولت لیبی نیز این گروه را تروریستی می‌داند. «محمد الزهاوی»، مسوول امور دینی گروه تروریستی انصار الشریعه در گفت‌وگو با رادیوتوحید، وابسته به این گروه گفت: هم‌اکنون بنغازی، امارت اسلامی است. این درحالی‌است که صدها نفر از مردم لیبی در شهر بنغازی، پایتخت لیبی پس از انجام تظاهرات، در اعتراض به حضور گروه تروریستی انصار الشریعه، عناصر وابسته به این گروه را از بیمارستان «الجلاء» بیرون کردند.

ساختار تشکیلاتی این گروه نیز شبیه داعش است و برای خود، کمیته‌های مجزا دارد؛ از جمله کمیته شریعت و کمیته تبلیغات و ... . دو شاخه این گروه عبارتند از «انصار الشریعه سرت» و «انصار الشریعه اجدابیا». هم‌اکنون این گروه، با ارتش لیبی و نیروی نظامی وابسته به ژنرال حفتر، به‌شدت درگیر است. آخرین خبرها اینکه گروه‌های شبه‌نظامی یادشده بعد از کنفرانس ژنویک آتش‌بس موقت را اعلام کردند. گفته می‌شود تعداد عناصر داعش در درنه بیش از ۸۰۰نفر است و شش‌اردوگاه را در اطراف شهر و کوه‌های نزدیک، اداره می‌کنند. در این اردوگاه‌ها افرادی از کشورهای شمال آفریقا آموزش می‌بینند. اما امکانی برای تایید این خبرها وجود ندارد. شهر اشغال‌شده درنه حدود صدهزارنفر جمعیت دارد. اخیرا بعد از مذاکراتی که گروه‌های سیاسی لیبی برای ایجاد آرامش در این کشور، در ژنو داشتند، گروه انصار الشریعه و «فجر» اعلام آتش‌بس کردند. فجر نیز، یک گروه سلفی‌جهادی است که با دولت مرکزی نبرد می‌کند.

۵-انصاربیت‌المقدس

«انصار بیت‌المقدس» نیز گروهی سلفی‌جهادی است که در ابتدای کار، برای مبارزه با اسراییل شکل گرفت اما بعدها در دوران «محمد مرسی» رییس‌جمهوری سابق مصر و خلف او «عبدالفتاح السیسی» با نیروهای دولتی و سربازان مصری در شبه جزیره سینا درگیر شدند. بعد از اعلام تشکیل دولت اسلامی توسط ابوبکر البغدادی، جماعت انصار بیت‌المقدس نیز با او بیعت کرد. این گروه، منطقه «سینا»ی مصر را به عنوان مرکز امارت اسلامی تحت سیطره خود اعلام کرده و آنجا را «ولایت سینا» نامیده است. بعد از سرنگونی «حسنی مبارک» دیکتاتور مصر، گروه‌های جهادی منطقه سینا؛ از جمله مجلس شورای مجاهدین که با نام «اکناف بیت المقدس» شناخته می‌شود؛ «سلفیه جهادی»؛ «جند الاسلام» و «جماعت التوحید» و «الجهاد» همه در «انصار بیت المقدس» ادغام شدند. یک‌سال پس از اعلام حضور جماعت انصار بیت المقدس، گروه‌های جهادی موجود در سینا با «ایمن الظواهری» سرکرده القاعده اعلام بیعت کردند و در پیامی او را امیر محبوب و شیخ مجاهد خویش خواندند و اعلام کردند تا آخرین قطره خون تسلیم اوامر او هستند. مهم‌ترین رهبران کنونی این گروه را می‌توان «هشام السعیدنی»، «ممتاز دغمش»، «شادی المنیعی» و «ابوقتاده المقدسی» دانست که برخی از آنها تابعیت فلسطینی دارند. مهم‌ترین عملیات جنبش انصار بیت المقدس عبارت از انفجارهای متعدد در خطوط انتقال گاز به اسراییل، تلاش برای تخریب و به آتش کشیدن پایگاه دوم پلیس منطقه «عریش» در سینا و کشتن تعدادی از نیروهای پلیس محلی، کشتن ۲۵ نفر از نیروهای امنیت مرکزی مصر در ۱۹آگوست ۲۰۱۳میلادی، تلاش برای ترور وزیر کشور مصر یعنی «محمد ابراهیم» در سپتامبر ۲۰۱۳، ترور سرهنگ دوم «محمد مبروک» مسوول پرونده اخوان‌المسلمین در سازمان امنیت‌ملی مصر در نوامبر ۲۰۱۳، عملیات منفجرکردن اداره امنیت مرکز «دقهلیه» در دلتای مصر در دسامبر ۲۰۱۳ میلادی که به کشته‌شدن ۱۶نفر از جمله ۱۴نفر از افسران امنیتی انجامید.

سایر گروهک‌ها

در خبری آمده بود که پنج گروه شبه‌نظامی در آفریقا با گروه داعش اعلام بیعت کرده‌اند. در میان این گروه‌ها اسامی انصارالشریعه تونس، لیبی، جندالخلافه الجزایر و انصار بیت‌المقدس مصر آمده بود. هرچند در الجزایر گروهی قدرتمندی به نام انصار الشریعه وجود ندارد، اما گروه‌های شبه‌نظامی با انواع اسامی دیگر و با همان تفکر سلفی، فعالیت می‌کنند. یکی از اینها، گروه جندالخلافه است که چندی پیش در خبری آمده بود با داعش بیعت کرده است. یک گروه تروریستی دیگر در آفریقا که از سرنوشت کنونی آن اطلاع دقیقی در دست نیست گروه موسوم به «الملثمون» یا نقابداران است که چند سال پیش به تاسیسات گازی «عین امناس» در الجزایر حمله کرد. فرماندهی این گروه را فردی به نام «مختار بلمختار» یا همان آقای «مالبورو» برعهده داشت. این گروه، شاخه‌ای جدا شده از القاعده مغرب عربی تلقی می‌شد که دست به عملیات مجزایی زده بود. هدف از گروگان‌گیری در عین‌امناس، توقف عملیات نظامی فرانسه در مالی عنوان شده بود. در مجموع باید گفت بیشتر کشورهای آفریقایی نسبت به تروریسم و گسترش گروه‌های جهادی، احساس خطر می‌کنند؛ اما تلاش می‌کنند این نگرانی خود را با افزایش بودجه دفاعی‌شان جبران کنند. آمارها نشان می‌دهد که خرید سلاح از سوی دولت‌های آفریقایی به همین دلیل به‌شدت روبه‌افزایش است؛ اما کارشناسان می‌گویند تردیدی وجود ندارد که راه‌حل‌های امنیتی برای مقابله با پدیده خشونت گرایی مسلحانه لازم خواهد بود، اما کافی نیست، زیرا برای مقابله با گروه‌های افراطی، باید کاری کرد که ریشه‌های افراط‌گرایی و تعصب و فقر فرهنگی و اقتصادی، به‌ویژه در بین جوانان، طی روندی طولانی‌مدت خشکانده شود.

دریچه

متحدان دیروز منتقدان امروز

سردی این‌روزهای روابط تل‌آویو-واشنگتن، گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال اعمال نفوذ کاخ‌سفید در انتخابات اسراییل را شدت بخشیده است؛ اعمال نفوذی که هدفش احتمالا سرنگونی رژیم بنیامین نتانیاهو، در سرزمین‌های اشغالی است. «افریم اینبار»، تحلیلگر اسراییلی، با اشاره‌به نزدیک‌شدن زمان انتخابات در سرزمین‌های اشغالی می‌نویسد: «اوباما امیدوار است در اسراییل از شر نتانیاهو خلاص شود. این نخستین‌باری نیست که ما شاهد دخالت آمریکا در انتخابات اسراییل هستیم. قبل از این هم کاخ‌سفید نارضایتی خود را از نامزدهای حزب لیکود نشان داده و از فعالان و حامیان مالی یهودی برای کمپین ضدنتانیاهو بهره گرفته است.»

این تحلیلگر حامی نتانیاهو در یادداشتی که پیش از سخنرانی او در کنگره آمریکا منتشر شد، آورده است: «اوباما خواهان حضور نتانیاهو در واشنگتن نیست، زیرا تصور می‌کند نخست‌وزیر اسراییل به مهم‌ترین اقدام آمریکا درزمینه سیاست خارجی (یعنی توافق با ایران) آسیب می‌زند. از طرفی اوباما تمایل دارد نتانیاهو را از پست نخست‌وزیری کنار بگذارد و تاکنون هم تلاش‌هایی را برای برکناری نخست‌وزیر اسراییل انجام داده است. اوباما این اظهار نتانیاهو را هم جدی گرفته که توافق‌های یک‌طرفه آمریکا، اسراییل را محدود نمی‌کند. از نظر اوباما، نتانیاهو ممکن است، موفقیتش در عرصه سیاست خارجی را به‌طور کامل از بین ببرد. درواقع، در میان تمامی نامزدهای پست نخست‌وزیری در انتخابات آینده اسراییل، تنها نتانیاهو رویکرد و مواضع تندی نسبت‌به ایران دارد و تنها نتانیاهو در نظر دارد درراستای مخالفت با آمریکا اقدام کند.»واقعیت این است که دولت‌های آمریکا و اسراییل احتمالا هیچ‌وقت به اندازه امروز در مورد سیاست‌های خود از یکدیگر فاصله نداشته‌اند. شکاف بین آنها تنها در مورد چگونگی برخورد با مذاکرات با ایران نیست که، در سطحی بنیادی‌تر، در مورد استفاده از قدرت در یک‌سو و دیپلماسی در سوی دیگر است، اگرچه برخی ناظران سیاسی، اختلاف عمیق اوباما و نتانیاهو را ناشی از تضاد و ناهمگونی شخصیت آنها می‌دانند، اما به‌نظر می‌رسد که واقعیت دیگری در پس اختلافات فزاینده دورهبر وجود داشته باشد. المانیتور در این‌باره می‌نویسد: «جهان‌بینی فلسفی اوباما در مورد روابط بین‌الملل برپایه ائتلاف‌سازی و سازش است و استفاده از زور برای او آخرین راه چاره است. سلسله‌ای از تصورات متناقض بین جهان‌بینی‌های نتانیاهو و اوباما اختلاف می‌اندازد. این ورطه سیاسی و فلسفی، برساختن زبان مشترک بین دورهبر را غیرممکن می‌کند. این شکاف در ضمن، خبر از تفاوتی حتی بنیادین‌تر در مورد نظام‌های ارزشی می‌دهد که هریک از دورهبر از آن پیروی می‌کند. اوباما عمیقا به برابری باور دارد - برابری بین مردم، اما درضمن برابری بین کشورها ازجمله حقشان برای تعیین سرنوشت خویش و تعیین سیاست‌های خودشان. نتانیاهو اهل سلسله‌مراتب است. در نظر او، زور است که حساب می‌شود و زور است که دیکته می‌کند. اینها دلایل بنیادین بحران‌های مکرر در روابط آمریکا و اسراییل هستند. دراین‌میان اگر نتانیاهو در انتخابات ۱۷مارس دوباره انتخاب شود، می‌توانیم شاهد تعمق این شکاف در رابطه با مسایل عمده سیاست‌گذاری باشیم. اول از همه، چنان‌که اشاره کردیم، مذاکرات با ایران خواهد بود. به‌اضافه، نتانیاهو شاید حتی بیشتر بر انتقاد خود از آمریکا در رابطه با مبارزه علیه تروریسم تاکید و تکرار کند که آمریکا در این جبهه به اندازه کافی عمل نمی‌کند. واضح است که انتخاب مجدد نتانیاهو می‌تواند باعث شود بن‌بست دیپلماتیک حاضر به درازا بکشد و خطر اینکه آمریکا پشتیبانی سیاسی خود از اسراییل در صحنه بین‌المللی را قطع کند، افزایش یابد.»

روزنه

نان بهتر است یا امنیت

شیدا ملکی: ستاره «بنیامین نتانیاهو»، شانسی برای طلوع دوباره در انتخابات و تسخیر صندلی نخست‌وزیری ندارد. تظاهرات چندین‌هزارنفری ساکنان سرزمین اشغالی علیه نتانیاهو تنها چندروز قبل از برگزاری انتخابات زودهنگام و سردادن شعار «بی‌بی برو!» ثابت کرد او برای مبارزه علیه ائتلاف «کمپ صهیونیست» به برگ‌برنده‌ای قوی‌تر از مساله «امنیت ملی» نیاز دارد. اولین اقدامات برای برگزاری این انتخابات زودهنگام با مخالفت «زیپی لیونی»، وزیر دادگستری و «یایر لپید»، وزیر دارایی کلید خورد. نتانیاهو که تحمل شنیدن انتقاد را نداشت، با برکنارکردن دووزیر خود اعلام کرد دیگر قادر به اداره دولت نیست از این‌رو کنست (پارلمان اسراییل) اعلام کرد انتخابات زودهنگام پارلمانی ۱۷مارس برگزار خواهد شد. پارلمان قبلی سرزمین‌های اشغالی در سال۲۰۱۳ با ائتلاف احزاب دست‌راستی و کسب ۴۳کرسی کار خود را آغاز کرد. سهم احزاب میانه‌رو از این پارلمان ۲۷کرسی، چپ میانه کارگر ۱۵کرسی، احزاب ارتدوکس۱۸ کرسی و حزب‌های عربی۱۱ کرسی بود. در این قوانین احزاب برای به‌دست‌گرفتن قدرت نیازمند دست‌کم ۶۱کرسی در کنست هستند. براساس نظرسنجی‌ها در شرایط حاضر حزبی وجود ندارد که بتواند این اکثریت را به دست بگیرد از این‌رو احزاب ناگزیر هستند که ائتلاف کنند. ائتلاف اجباری احزاب و شرایط پیش‌آمده برای نتانیاهو حاکی از آن است که شبح تهدید برای گرفتن قدرت از حزب دست‌راستی «لیکود» به پرواز درآمده و تنها راه نجات نخست‌وزیر فعلی رای واقعی مردم است. با این وجود نتانیاهو همچنان برای کسب قدرت بر طبل «امنیت ملی» می‌کوبد و معتقد است اگر حزبی غیر از احزاب دست‌راستی روی کار بیایند، خطرات به سمت سرزمین‌های اشغالی سرازیر خواهد شد.

چپ‌ها علیه راست‌ها

ائتلاف «اتحاد صهیونیست» نتیجه ائتلاف زیپی لیونی و آیزاک هرتزوگ است. هرتزوگ که رییس حزب کارگر است، در این انتخابات رقیب اصلی نتانیاهو به‌حساب می‌آید. مهم‌ترین وجه اختلاف او با نتانیاهو امکان برقراری صلح دایم با فلسطینی‌ها، با وجود بن‌بست جدی در مذاکرات است. دومین طرحی که موجب می‌شود هرتزوگ در مقابل آقای نخست‌وزیر قرار گیرد، اعتقاد او نسبت به ارائه طرح برای تاسیس «دوکشور» است. زیپی لیونی نیز که وزیر دادگستری سابق بوده است، حزب تازه‌تاسیس «هاتنوعا» را تاسیس کرد و تصمیم گرفت با تشکیل ائتلاف، خواسته‌هایی را که نخست‌وزیر تحمل شنیدن آنها را نداشت، دنبال کند. از نظر لیونی تنها راه‌حل، تاسیس «دوکشور» است که می‌تواند تضمین‌کننده «ارزش‌های یهودی و دموکراتیک» اسراییل باشد. درحال‌حاضر این ائتلاف رقیب اصلی نتانیاهو و در آخرین نظرسنجی‌ها از حزب لیکود پیشی گرفته است. با این‌حال، نخست‌وزیر فعلی همچنان برای گرفتن رای بیشتر بر طناب امنیت ملی چنگ انداخته است. او در آخرین اظهارنظر خود اعلام کرد اگر کمپ صهیونیست در انتخابات رای بیاورد، او حاضر نیست برای دولت ائتلافی مشارکت کند. به گزارش رویترز نتانیاهو در یکی از سفرهای انتخاباتی خود عنوان کرد: «اگر هرتزوگ رای بیاورد مذاکرات با فلسطینی‌ها از سر گرفته خواهد شد. او حتی حاضر است با فلسطینی‌ها بر سر تقسیم اراضی بر سر میز مذاکره بنشیند.» بنیامین نتانیاهو بخش مهمی از این محبوبیتش را مدیون مخالفت با آریل شارون و خروج از کابینه او در نتیجه در اعتراض به تخلیه اسراییلی‌ها از ۱۰شهرک ساخته‌شده در غزه است. نتیجه این حرکت این بود که در سال۲۰۰۲ شیمون پرز او را برای تشکیل دولت انتخاب کند. او از سال۲۰۰۹ که قدرت را در دست گرفت، بیشترین درگیری را با فلسطینی‌ها داشته است. در طول سال‌های نخست‌وزیری تنها یک توافقنامه امضاشده با مقامات فلسطینی در کارنامه‌اش ثبت شده است. ازاین‌رو جای تعجب نخواهد داشت اگر بخواهد همچنان با تهدیدهای امنیتی توجه‌ها را به خود جلب کند.

پس از برپاشدن خیزش‌های اجتماعی به مدت دوماه در سال۲۰۱۱ برای کاهش هزینه زندگی و اجاره‌خانه‌ها، دولتمردان سرزمین‌های اشغالی که غافلگیر شده بودند کم‌کم دلمشغولی‌های امنیتی خود را کنار گذاشتند و به شعارها و قول‌های اقتصادی روآوردند، اما با گذشت زمان این قول‌ها رنگ باختند و بازهم مسایل امنیتی روی کار آمدند. علاوه‌بر اینها، گزارش وزارت امورخارجه رژیم صهیونیستی در مورد بدترین شکل انزوای بین‌المللی رژیم صهیونیستی در جهان نشان از آن دارد که باید اقدامات جدی‌ای در این زمینه انجام شود. اگر شرایط در سیاست خارجی با همین‌روند پیش برود، شرایط برای دولتمردان سرزمین‌های اشغالی در سال۲۰۱۵ بدتر از قبل خواهد شد.

بن‌بستی به نام مذاکرات صلح

براساس پیش‌بینی‌ها روی‌کارآمدن یک دولت راستگرای دیگر در اسراییل می‌تواند احتمال ازسرگیری گفت‌وگو با فلسطینی‌ها را که آوریل۲۰۱۴ به بن‌بست رسید را کم کند. در آوریل سال۲۰۱۴ فتح و حماس پس از هفت‌سال اختلاف اعلام کردند دولت وحدت ملی تشکیل خواهند داد. در نتیجه این وحدت جلسه مذاکرات صلح اسراییلی‌ها با دولت خودگردان فلسطینی لغو شد و در نتیجه یک حمله هوایی به شمال غزه پنج‌شهروند فلسطینی مجروح شدند. یکی از پیامدهای شکست این گفت‌وگوها، انزوای بین‌المللی اسراییل بود. انتخاب مجدد بنیامین نتانیاهو در این زمینه اگر تاثیر منفی نداشته باشد، قطعا تاثیر مثبتی نیز نخواهد گذاشت. کمااینکه در هفته‌های اخیر قبل از انتخابات سخنرانی جنجالی او در کاخ‌سفید علیه ایران و تلاش برای جلوگیری از دستیابی به توافق موجب شد رابطه حسنه او با متحد دیرینش آمریکا تیره‌وتار شود. این تیرگی تنها نتیجه سخنرانی نتانیاهو در کنگره نیست، بلکه زیرپاگذاشتن مذاکرات صلح و ادامه روند شهرک‌سازی در سال‌های نخست‌وزیری موجب شده تا باراک اوباما نیز به صراحت از عدم علاقه خود نسبت به متحد دیرینش صحبت کند.

نتایج پشت‌پرده

پنجشنبه پیش از برگزاری انتخابات، شیمون پرز، رییس رژیم صهیونیستی رسما حمایت خود را از کمپ صهیونیست اعلام کرد. پرز در این حمایت اعلام کرد از نخست‌وزیری هرتزوگ حمایت می‌کند و اعلام کرد: «او سیاستمداری است که می‌داند چطور میان شکاف‌ها پل بزند و جامعه اسراییل را متحد کند.» بااین‌حال، نظرسنجی‌های مختلف در آستانه انتخابات نتایج ضدونقیضی را نشان می‌دهند که حاکی از روی‌کارآمدن احزاب با اختلاف اندکی از یکدیگر است. براساس نظرسنجی اخیر روزنامه هاآرتص ۴۸درصد از شرکت‌کنندگان نتانیاهو و ۳۴درصد دیگر عنوان کرده‌اند هرتزوگ، نامزد ائتلاف اتحاد صهیونیستی شایسته کسب سمت نخست‌وزیری است. باوجود اینکه مسایل و مشکلات داخلی سرزمین‌های اشغالی به درجه‌ای رسیده که موجب شده مسایل امنیتی اولویت خود را از دست بدهد، با این‌حال تجربه انتخابات گذشته ثابت کرده است فشار اقتصادی هیچ‌گاه نتوانسته جامعه صهیونیستی را به سمت حرکت متحد سوق دهد و حتی سایه تهدید هم می‌تواند نظر اسراییلی‌ها را نسبت به اولویت‌ها تغییر دهد.